www.sjfm.ir

مجله
پزشکی قانونی ایران

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

دوره ۲۹، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۲۷۰ تا ۲۷۱

نامه سردبیر

نقدی بر نافذه‌انگاری جراحاتِ غیرعمیقِ دست و پا، با تکیه بر جمع مفاد ۷۱۰ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی

محمدجعفر صادق‌پور[1*] PhD، اردلان زمانی[2] MA

[1] گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران
[2] گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*نویسنده مسئول: محمدجعفر صادق‌پور، پست الکترونیک: Mohammad.sadeghpour@sku.ac.ir

تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۲/ ۰۹/۰۵ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

How to cite: Sadeghpour M Zamani A. A critique on the diagnosis of non-deep injuries of lower limb and upper limb as Nafezeh, based on articles (710) and (713) of the Islamic Penal Code. Iran J Forensic Med. 2024;29(4):270-1.

سردبیر محترم؛

ماده (۷۱۳) قانون مجازات اسلامی نافذه را جراحتی دانسته که با فرو رفتن وسیله‌ای مانند نیزه یا گلوله در دست یا پا ایجاد می‌شود. در این ماده، دیه نافذه در مرد یک‌دهم دیه کامل مقرر شده و در زن موجب ارش دانسته شده است. بر این مبنا، اگر فرد الف با تفنگ ساچمه‌ای به سمت ب شلیک کند، مطابق رویه موجود در محاکم قضایی و سازمان پزشکی قانونی، به تعداد ساچمه‌هایی که در دست و پای ب فرو رفته تحقق نافذه گزارش می‌شود که در برخی از این موارد، مجموع دیه نافذه‌ها معادل چند دیه کامل خواهد شد. چنانکه در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۶۶۱۵۴۰۰۲۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۲ صادره از شعبه اول دادگاه کیفری یک ویژه جوانان استان لرستان، مطابق با گواهی پزشکی قانونی استان به شماره ۱۰۵۱۱/۱/۶۶۱/۱۷/۱۳۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۴، به دلیل تحقق (۵) جراحت نافذه در پای چپ و (۳۰) جراحت نافذه در پای راست، تقریباً معادل سه دیه کامل مرد تعیین شده است.

با این وجود، به نظر می‌رسد در کنار تلقی رایجی که مبتنی بر ماده (۷۱۳) ق.م.ا موجب شکل‌گیری رویه فوق شده، می‌توان با نسبت‌سنجی میان این ماده و ماده (۷۱۰)، به انگاره‌ای دیگر درخصوص تحقق نافذه معتقد شد که هم نتایجی منطقی در پی دارد و هم با مبانی فقهی و حقوقی سازگارتر است. این انگاره که نخستین بار نویسنده مسئول آن را در جلسات دفتر مطالعات فقهی پزشکی قانونی به تاریخ ۱۴۰۰/۵/۲۰ ارائه کرده، به قرار زیر قابل طرح است:

یکم. در ماده (۷۱۳) ق.م.ا میزان مشخص و محدودی برای عمق نافذه تعیین نشده و از ظاهر عبارت این مقرره چنین مستفاد است که صِرف «فرو رفتن» آلت جارحه برای تحقق آن کفایت می‌کند. فقدان تحدید میزان عمق جراحت نافذه در این ماده که در برخی متون فقهی [۱] هم دیده می‌شود، یک اشکال اساسی به شمار می‌رود که مقنن حداقل می‌توانست همگام با برخی فقیهان [۲] با ملاک قرار دادن «صدق نفوذ و عمق کافی» تا حدی این اشکال را کمرنگ کند. در عین حال، از نظر این پژوهش رجوع به برخی فتاوا که نافذه را جراحتی قلمداد می‌کنند که تحقق آن منوط به ورود آلت جارحه از یک سوی عضو و خروج آن از سوی دیگر است [۳] می‌تواند اشکال فوق و برخی اشکالات محتمل دیگر را به طور کامل مرتفع سازد.

دوم. چنانکه گفته شد، در ماده (۷۱۳) هر جراحتی که با فرو رفتن آلت جارحه در دست یا پا رخ دهد، نافذه قلمداد شده است؛ همانند اینکه ساچمه‌ای پوست ران را بشکافد و وارد بافت عضلانی شود. اما در کنار این تلقی، از ظاهر ماده (۷۱۰) نیز چنین مستفاد است که می‌توان چنین جرحی را در حکم جراحات سر و صورت شمرد، زیرا در ماده اخیرالذکر مقرر شده: «هرگاه یکی از جراحت‌های مذکور در بندهای (الف) تا (ث) ماده (۷۰۹) این قانون در غیر سر و صورت واقع شود، در صورتی که آن عضو دارای دیه معین باشد، دیه به حساب نسبت‌های فوق از دیه آن عضو تعیین می‌شود». مطابق این مقرره، اگر در برخی اعضای دارای دیه مقدر همانند دست یا پا، جراحاتی همسان حارصه، دامیه، متلاحمه، سمحاق و موضحه تحقق یابند، به نسبت دیه

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-10-15]

این جراحات در سر و صورت، دیه آنها در عضو مذکور محاسبه می‌شود. بنابراین، ورود ساچمه به بافت عضلانی ران می‌تواند دامیه یا متلاحمه محسوب شود و به ترتیب موجب یک یا یک‌ونیم صدم دیه کامل شود.

سوم. با توجه به نص مواد فوق‌الذکر، پرسش اساسی این است که درصورت تحقق جراحاتی با مختصات حارصه تا موضحه در دست یا پا، کدام ماده مقدم است؟ آیا این جراحات را باید مصداق ماده (۷۱۳) تلقی کرد و هر یک را موجب یک‌دهم دیه کامل دانست یا این جروح مصداق ماده (۷۱۰) هستند و دیه‌ای به مراتب کمتر به آنها اختصاص می‌یابد؟ پاسخ این است که جراحات وارده بر دست یا پا، به جهت عمق، دارای سه گونه مختلف زیر هستند:

الف- جراحات با مختصات حارصه و دامیه: اگر جراحات وارده بر دست یا پا دارای مختصات حارصه یا دامیه باشند از آنجایی که صدق عرفی عنوان نفوذ و به تعبیر مقنن «فرو رفتن» بر آنها دشوار بلکه ممتنع است، موضوع ماده (۷۱۰) ق.م.ا خواهند بود. به دلیل فقهی هم آنچه نافذه خوانده می‌شود، بی‌تردید جراحتی نفوذی است که عمیق‌تر از خراشیدگی پوست یا ورود اندک به گوشت است. به‌خصوص اینکه وفق نظر نگارنده مسئول، چنانکه در پژوهشی مستقل ثابت کرده است، دامیه نیز جراحتی است در بستر لایه‌های زیرین پوست یعنی درم و هیپودرم و بر خلاف تصریح مقنن، اساساً به گوشت و بافت عضلانی نمی‌رسد [۴].

ب- جراحات با مختصات متلاحمه، سمحاق یا موضحه: اگر عمق جراحات وارده بر دست یا پا در حد متلاحمه، سمحاق یا موضحه باشد، مسئله دشوار می‌شود،زیرا از یک سو، با عنایت به اینکه ماده (۷۱۳) بستر اختصاصی تحقق نافذه یعنی دست و پا را تعیین کرده، ماده (۷۱۳) به مثابه حکم خاص برای عامِ (۷۱۰) خواهد بود و مقدم می‌شود اما از سوی دیگر، تفسیر منطبق بر عدالت و انصاف از یک سو و تفسیر همسوی با مبانی صائب فقهی که مطابق آنها هر فرو رفتنی تحقق‌بخش نافذه نیست [۲ و ۳]، از سوی دیگر، همراه با نظرداشت چالش‌های عینی و کاربردی موضوع اقتضا دارد که ماده (۷۱۰) به طور کلی بر ماده (۷۱۳) تقدم یابد و در حقیقت ماده (۷۱۰) تفسیرگر مراد مقنن از «فرو رفتن» در ماده (۷۱۳) باشد. بدین بیان که مراد از آن فرورفتنی است که بیش از موضحه عمق یابد. با اتخاذ چنین رویکردی، اگر دو جراحت با مختصات متلاحمه یکی در صورت و دیگری در ران رخ دهد، همچون رویه فعلی برای متلاحمه صورت، سه‌صدم دیه کامل و برای متلاحمه ران که نافذه انگاشته شده، یک‌دهم دیه کامل تعیین نخواهد شد بلکه با متلاحمه تلقی کردن این دو جراحت، به متلاحمه صورت، سه‌صدم دیه کامل اختصاص خواهد یافت و به متلاحمه ران، یک‌ونیم صدم دیه کامل.

پ- جراحات عمیق‌تر از موضحه: اگر جراحات وارده بر دست یا پا عمقی بیش از موضحه داشته باشند، ماده (۷۱۳) بدون هیچ معارض، مخصص و مقیّدی مبنای عمل خواهد بود.

تأییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.
تعارض منافع: دو نویسنده این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی را اعلام نداشتند.
سهم نویسندگان: هر دو نویسنده سهم یکسانی در تهیه مقاله حاضر دارا بودند.
منابع مالی: مقاله حاضر مورد حمایت مالی قرار نگرفته است.

References

1. Allameh Helli. Irshad al-Azhan ila Ahkam al-Iman. Qom: Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom; 1410.V. 2. p.245. [Arabic]
2. Makarem Shirazi N. New Verdicts. Qom: Imam Ali School Publication; 1427. Vol.3, p.478. [Persian]
3. Hakeem SM. Minhaj al-Saleheen. Beirut: Dar alSafva; 1415. p.311. [Arabic]
4. Vatani A, Sadeqpour MJ. A Contemplation on the Nature of the Harese and Damie. Feghh Journal. 2017;9(32-33):7-22. [Persian]

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-10-15]